

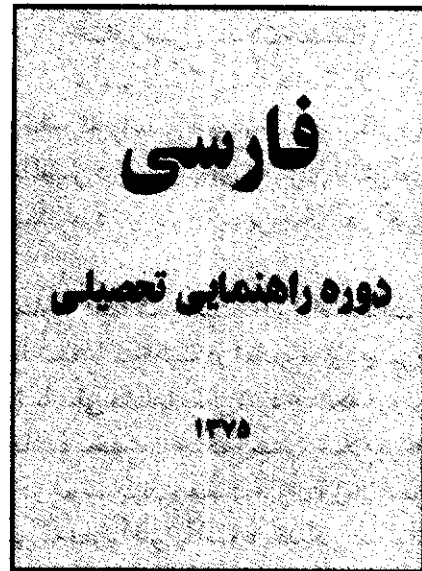
نقد و بررسی کتاب فارسی دوره راهنمایی

غلامرضا زرین چیان

براستی، تألیف کتابهای فارسی برای مقاطع مختلف تحصیلی، حتی مقاطع و مراکز آموزش عالی، چندان سهل و برای مؤلفان آن خالی از اشکال و تصدیع نیست. زیرا گستره وسیع ادبیات فارسی که از یک سو با برخورداری از سوابق تاریخی کهن پیش از اسلام و از سوی با آمیختگی با قرآن کریم، روایت، کلام و حدیث در بعد از اسلام، و نیز در قرون اخیر با نزدیکی با ادب اروپایی، به باروری عظیم و وسیعی رسیده است. از این رو، تألیف متون ادب فارسی پیوسته با انتقادات، برخوردها، سلیقه‌ها و دیدگاههای متفاوت مؤلفان همراه است و لذا از این انتقادات، نتیجه دلخواه به دست نمی‌آید.

البته اروپائیان برای تألیف چنین کتابهایی غالباً ملاکهایی دارند که میان ما هنوز چندان مرسوم نیست و آن تدوین کتابها بر پایه دقیق و حساب شده دایره واژگانی کودکان و دانش آموزان مقاطع مختلف تحصیلی است، آن هم نه تنها در تعلیم زبان و ادبیات قومی بلکه برای داستان، شعر، علوم و نظایر آن نیز همین اصل مراعات می‌شود.

بدین لحاظ در این گفتار، نگارنده، درباره کتاب مورد بحث



فارسی سال دوم راهنمایی تحصیلی (جدید التألیف)
تألیف احمد سمیعی کیلانی و غلامعلی حداد عادل و...
(وزارت آموزش و پرورش، شرکت چاپ و نشر ایران،
تهران ۱۳۷۲)^۱

۱. یادآور می‌شود نقد و بررسی فارسی جدیدالتألیف سال اول راهنمایی در همین مجله (سال پنجم، شماره چهارم، آذر-دی ۷۳، صفحه ۴۴-۵۱) منتشر شده است.

به باید‌ها و نباید‌ها نمی‌پردازد، بلکه به آنچه در کتاب گنجانده شده است نظر دارد؛ و چون برخی مطالب که در نقد و بررسی کتاب جدید التالیف سال اول راهنمایی بیان شد در مورد این کتاب نیز صادق است - بجز یکی دو مورد - از طرح آنها خودداری می‌شود. و نیز سعی شده است مواضع کتاب به ترتیب صفحات آن مورد بررسی قرار گیرد تا دریافت آن بر معلّم و متعلّم آسانتر گردد.

در آغاز می‌پردازیم به بیانیّه مؤلفان محترم که با عنوان «همکار ارجمند» در قالب یازده مطلب ذکر شده است.

در شماره ۲ آمده است: کتاب سیر تقریبی از ساده به مشکل دارد. در این باب باید اذعان کرد «هنوز در زبان فارسی کاربرد واژه‌ها و بسامدها برای سنین مختلف رسماً تحقیق، آمارگیری، جمع‌آوری و تدوین نشده است تا بتوان براساس طبقه‌بندی آنها از ساده به مشکل سیر نمود. اهل قلم و زبان‌شناسان، نیک آگاهند که هم اکنون در مغرب زمین تقریباً بخش عمده‌ای از کتابهای کودکان و جوانان براساس کاربرد تکواژه‌های آنها تالیف و تصنیف می‌یابد، نظیر:

Introductory step to Understanding (750- headword level)

* * *

Elementary step to Understanding (1000- headword level)

... حتی فرهنگهایی که کودکان خود بتوانند از آن استفاده کنند فراهم آمده است مانند:

Webster's New- Children's Dictionary Prentice Hall
New York. London Toronto 1991.

البته در سالهای اخیر به همت برخی از مؤسسات مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و گروه کودک و نوجوان بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، کتابهایی برای سنین مختلف از ابتدایی تا دبیرستان با نشانه‌های: الف (سالهای قبل از دبستان)، ب (سالهای آغاز دبستان)؛ ج (سالهای پایان دبستان)؛ د (دوره راهنمایی)؛ هـ (دوره دبیرستان)؛ فراهم آورده‌اند که شایان تقدیر است، اما شیوه کار و دایره واژگانی آن رسماً بر همه کس روشن نیست و مدوّن نگردیده است. بنابراین چون چنین ملاکی مدوّن در اختیار نداریم، سیر از ساده به مشکل (اعم از دایره واژگانی یا معنایی) سیری ذوقی و ذهنی خواهد بود که از معیارهای علمی و زبان‌شناسانه به دور است.^۲

فی‌المثل، اولین درس، قسمتی است از کتاب «الابنیه عن

حقائق الادویه» با لغاتی همچون مصطفی (برگزیده)، خاتم (آخرین)، اصحاب (یاران)، اختیار (برگزیده)، عزّوجلّ (افعال ماضی اما به معنای عزیز و بزرگ)، مبطلان (گناهکاران) برنوّشتند (درهم پیچیدند)، بساط (فرش).

و این هم مستی از اواخر کتاب (ص ۱۵۵) با عنوان «پیک بهار» از سعدی:

برخیز که می‌رود زمستان
بگشای در سرای بستان
نارنج و بنفشه بر طبق نه
منقل بگذار در شبستان
وین پرده بکوی تا به یک بار
زحمت ببرد ز پیش ایران
برخیز که باد صبح نوروز
در باغچه می‌کند گل افشان
خاموشی بلبلان مشتاق
در موسم گل ندارد امکان

در این قطعه که براساس «سیر از ساده به مشکل» آمده است با مقایسه با اولین درس، واژه‌ای که برای دانش‌آموزان مبهم باشد تقریباً وجود ندارد، اما با این حال، در آخر کتاب نقل شده است.

در شماره ۳ گفته شده است: «ارتباط مطالب کتاب اعم از ... حفظ شده است» البته در اغلب موارد چنین است؛ اما گاه چنین تسلسلی مشاهده نمی‌شود چنانکه دروس دماوند، کاغذ و چاپ، نخستین جنگ رستم، سلام بر خوزستان، سیاحتی در غرب ایران، هفت خوان، زیان اسراف و هنر خوشنویسی که تقریباً متوالیاً آمده با یکدیگر همخوانی ندارند، بویژه «هفتخوان رستم» که بهتر بود در کنار متن قبلی شاهنامه آورده شود.

در شماره ۵ آنچه در مورد «نیفراید» و ارجاع آن به «افروختن» بیان گردیده، چون مربوط به فارسی سال اول است نقل آن در اینجا مصداقی ندارد.

اینکه در این کتابها برای زبان‌آموزی از روش کشورهای

۲. آینه پژوهش، شماره ۲۸، ص ۴۵.

فرانسه، امریکا و در صرف و نحو از زبان انگلیسی و عربی بهره‌گیری شده است،^۳ چیزی در این بیانیه نیامده است.

اما در عنوان «فارسی» برای این قبیل کتابها، مطلب همان است که در نقد و بررسی کتاب سال اول بیان شد: «این عنوان با متن کتاب هماهنگی و سازش ندارد. مقصود آن است که ما زبان فارسی یا فارسی را با ادبیات فارسی، خلط کرده ایم. زبان عبارت از کلماتی است که انسانها به وسیله آن مقصود خود را به دیگران می‌فهمانند. این زبان خالی از هرگونه آرایه‌ها و پیرایه‌های لفظی و معنوی است، فارسی شامل سه زبان است: پارسی باستان، پارسی میانه (پهلوی و اشکانی) و پارسی نو (فارسی بعد از اسلام) و چون مطلق فارسی گویند مراد زبان اخیر است. ...^۴ همین مطلب در عناوین کتابهای دبیرستانی که به آنها فارسی اطلاق می‌شود نیز صادق است ... اما همینکه این زبان با آرایشهای لفظی و صنایع معنوی مزین شد، دیگر زبان نیست بلکه وارد قلمرو ادبیات می‌شود.

مثلاً در این دو بیت از فردوسی:

ز سَم ستوران در آن پهن‌دشت

زمین شد شش و آسمان گشت هشت

یا:

زمین ماه‌رویی و زمین روی ماه

زمین ماه‌رویی و زمین روی ماه

بدیهی است که تمام کلمات آن برای دانش‌آموزان، مفهوم است اما معنای آن بر کمتر کسی روشن است و از این جا به بعد ما به قلمرو ادبیات پا گذاشته ایم. به همین علت است که در کتابهای دانشگاهی و علوم ادبی آموزش عالی، نحوه صحیح کلمه یعنی عبارت «متون»، «متون ادبی»، «متون ادب فارسی»، «متون ادبی و ادبیات فارسی» را به کار می‌برند. البته به آسانی نمی‌توان مرز دقیقی میان زبان و ادبیات قائل شد.^۵

در صفحه ۵۶، از «لازم و متعدی» به «گذرا و ناگذر» و در جاهای دیگر کتاب از «ضمیر» به «شناسه» تعبیر شده است، در حالی که در کتابهای فارسی نظام جدید دبیرستانی، تعبیرهای لازم و متعدی و ضمیر به کار رفته است. این دوگانگی از کجا سرچشمه می‌گیرد و تکلیف شاگردان چیست؟

صفحه ۹: در جمله «علی (ع) ۶۳ سال در این دنیا زندگی کرد» عبارت «در این دنیا» زائد بنظر می‌رسد.

صفحه ۲۱: در شعر «لبخند شمعدانیها» جمله: «نشسته ست» بدون همزه آمده است؛ حال آنکه در کتابهای آیین نگارش، همزه «است» بعد از «های» غیر مملفوظ را لازم دانسته‌اند و حذف آن را فقط بعد از مصوت‌های «او» و «الف»

جایز می‌شمارند.

صفحه ۲۴: از دانش‌آموزان توضیح ارکان تشبیه خواسته شده، که باید گفت مؤلفان محترم قبلاً درباره آنها توضیحی نداده‌اند. در فارسی سال اول نیز از این ارکان فقط به وجه شبه اکتفا شده است!^۶

صفحه ۴۶: در مصرع «بیاورد ضحاک را چون نوند» کلمه نوند بدون اعراب است و اعراب آن در بخش لغات پایانی کتاب آمده است، در حالی که اعراب تمام لغات در متن آورده شده است.

صفحه ۵۲: در بخش «بیاموزیم» - و سایر بیاموزیم - که به توضیح اصطلاحات ادبی پرداخته می‌شود، باید اصطلاح مورد نظر با حروف درشت، سیاه یا رنگی چاپ شود تا مورد اصطلاح و تشخیص آن آسانتر گردد و یا لااقل در آغاز کتاب، فهرستی از آنها تهیه گردد.

صفحه ۶۰: در بیان افعال آمده است: ماضی ساده (مطلق) یعنی عنوان عربی، در پراکنش قرار دارد، اما در صفحه ۶۱ در عبارت ماضی بعید (دور) عنوان فارسی در پراکنش جای گرفته است!

صفحه ۶۲: در انواع فعل می‌خوانیم: «مهمترین اقسام فعلهای فارسی» و در صفحه ۶۹ گفته شده «انواع فعل ماضی» یعنی بعد از کلمات انواع و اقسام کلمه «فعل» یک بار مفرد و یک بار جمع آمده است.

صفحه ۸۰: در این بیت از فردوسی:

چرا گفت نگر فتمش زیرکش

همی بر کمر ساختم پنجه بش

کلمه «کش»^۷ معنی نشده است.

صفحه ۹۹: عبارت «جایی را که در آن زندگی می‌کنم دوست دارم» معلوم نیست با آن که عنوان قرار دارد چرا داخل گیومه

۳. کتاب معلم (روش تدریس)، مقدمه.

۴. حاشیه برهان قاطع، به تصحیح دکتر معین، به نقل از لغت‌نامه دهخدا.

۵. مجله آینه پژوهش، شماره ۴۵، ص ۴۵.

۶. فارسی سال اول (راهنمایی)، ص ۱۳۳.

۷. بغل (فرهنگ نفیسی).

گذاشته شده است.

صفحه ۱۱۶: متنی از کلیله و دمنه نقل گردیده بدون آن که برخلاف سایر قسمتهای کتاب شرحی از این کتاب به دست داده شده باشد.

صفحه ۱۲۷: حکایت معروف «بازرگانی را شنیدم که صدوپنجاه شتر بار داشت...» از باب سوم گلستان سعدی درج گردیده و در پایان این دو بیت آمده است:

آن شنیدستی که روزی تاجری
در بیابانی بیفتاد از ستور
گفت چشم تنگ دنیا دار را
یا قناعت پر کند یا خاک گور

که بیت اول آن در تمام نسخ معتبر بدین صورت است:

آن شنیدستی که در صحرای غور
بارسالاری بیفتاد از ستور^۸

این بیت در میان ادبا پیوسته محل تأمل و گفتگو بوده و صحیح نیست صورت دیگر بیت از نسخ ضعیف نقل شود. یا می بایست حذف می شد و یا حکایتی دیگر انتخاب می گردید.

صفحه ۱۶۶: روشن نیست که چرا روی لهستان ستاره گذاشته شده، در حالی که در همین درس، کشورهای دیگر بدون علامت است.

صفحه ۱۹۰: اثر معروف آیت الله طالقانی «تفسیر پرتوی از قرآن» ذکر شده که کلمه «تفسیر» جزو نام کتاب نیست و صحیح آن «پرتوی از قرآن» است.

صفحه ۱۹۱: نام کشور برزیل (berézil) به صورت برزیل ضبط شده است. در همین صفحه، ذکر نام قدیمی شهر بعلبک یعنی هلیوپولیس ضرورتی ندارد.

صفحه ۱۹۳: رود فرات به فتح ضبط شده که غلط است و صحیح آن فرات به ضم «ف» است.

صفحه ۱۹۴: از آثار ویکتور هوگو کتاب «شکارگران دریا» ذکر شده که اشتباه است و صحیح آن «کارگران دریا» است.

اینکه در بیانیه مؤلفین آمده است کتاب بر اساس شیوه فرهنگستان، سعی بر منفصل آوردن کلمات بوده، البته در بسیاری موارد قابل تحسین است اما گاه نیز مشکل آفرین شده است؛ مثلاً در صفحه ۱۳ و ۱۶ کلمه رویداد (حادثه) بصورت روی داد آمده است. در فرهنگ فارسی این کلمه به صورت: رویداد (= روی داد) یعنی ترجیحاً متصل آورده شده. همچنین کلمه نامدار (معروف) به شکل نام دار و زبانزد (مشهور) به صورت زبان زد آمده است (ص ۱۶۶). در برخی از کتابهای آیین نگارش، این کلمات متصل نوشته شده مانند: بزرگداشت،

چشمداشت و پیشرفت.^۹ اگر قرار باشد فرهنگستان و کتابهای آیین نگارش و ویرایش و کتابهای لغت هریک به آیین خاص خود رفتار کنند، فصل و وصل کلمات سامانی نخواهد یافت.

مآخذ

- محمد حسین برهان، برهان قاطع، تصحیح دکتر محمد معین (چاپ دوم: تهران، ابن سینا، ۵ج، ۱۳۴۲).

- دیوان حکیم فرخی سیستانی، به کوشش محمد دبیر سیاقی (چاپ دوم: تهران، زوآر، ۱۳۴۹).

- محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، راهنمای نگارش و ویرایش (چاپ هفتم: مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸).

- احمد سمعی گیلانی و دیگران، فارسی «سال اول دوره راهنمایی تحصیلی» (تهران: دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۳).

- محمد معین، فرهنگ فارسی (چاپ هفتم: تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴).

- منوچهر مظفریان و حسین قاسم پور، کتاب معلم (روش تدریس فارسی سال اول راهنمایی)، (شرکت چاپ و نشر ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۴).

- کلیات سعدی، با مقدمه عباس اقبال (تهران: انتشارات حاج محمد حسن اقبال، ۱۳۴۰).

- علی اکبر دهخدا، لغت نامه (تهران: ۱۳۳۶).

- آینه پژوهش، سال پنجم، شماره چهارم، آذر-دی ۷۳، شماره پیاپی ۲۸.

- علی اکبر نفیسی، فرهنگ نفیسی (چاپ دوم: تهران، خیام، ۱۳۴۳).

۸. کلیات سعدی (بخش گلستان)، ص ۹۴.

۹. محمد جعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، راهنمای نگارش و ویرایش، ص ۶۲ (چاپ هفتم: مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸).